

معامله تبدیل مال مملوک بمملوک دیگر و برداشتن رشته  
مالکیت از مال خود و پیوستن آن بمال شخص دیگر است



رتال جامع علوم انسانی

بنا بشرح بالا موضوع معامله مال مملوک است که در اطراف ملکیت و مالیت بحث خواهیم کرد وکالت و سایر عقود اذنیه از قبیل عاریه و ودیعه و امثال آنها که مفاد آنها صرفاً اجازه انجام امری از طرف ولی امر است از زمره معاملات خارج هستند بلکه می توان گفت از زمره عقود نیز خارج می باشند و اطلاق عقد بر آنها يك اصطلاح فقهی است و از این نظر آنها را عقد می گویند که تحقق آنها در خارج محتاج بظرفین است و لذا برای عده موجب توهم شده است که آنها از قبیل عقود هستند در صورتیکه حقیقت امر این طور نیست زیرا عقد بمعنی عهد مؤکد و موثق

است همانطوریکه در صحیحۃ ابن سنان که در تفسیر علی ابن ابراهیم نقل شده است کلمه عقد را در آیه کریمه افوا بالعقود که موضوع حکم و جوب و فاء بعقد است بعهد تفسیر نموده است و قانون مدنی به پیروی از فقه اسلامی در ماده ۱۸۳ می گوید عقد عبارت است که يك يا چند نفر در مقابل يك يا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند که مورد قبول آنها بوده باشد در موردیکه زوج و زوجه بسر دفتر ازدواج و یا شخص دیگر برای اجرای صیغه عقد نکاح و کالت می دهند موکل و وکیل در قبال یکدیگر چه تعهدی دارند که بر طبق ماده ۲۲۱ و ۲۲۲ قانون مدنی در صورت عدم ایفاء آنها به تعهدات خود بدادگاه مراجعه و مطالبه خسارت بنمایند .

مضافاً همانطوریکه در کتب فقهی اشاره شده است یکی از شروط صحت عقدی موالات بین ایجاب و قبول است چون عقد از عناوین وحدانی است و این عنوان قائم بمتعاقبین است و بوسیله فعل آنها حاصل می شود عرف و عقلاء در این قبیل امور ایجاب و قبول را بمنزله فعل و کلام واحد تلقی می کنند و در وحدت اعتباریه فرقی نیست که فعل از يك شخص یا آنکه از چندین شخص صادر شده باشد و اشخاص متعدد در تحقق آن دخالت داشته باشند و این وحدت فرضیه و اعتباریه هنگامی صادق خواهد بود که اتصال عرفی بین اجزاء کلام رعایت شده باشد و فاصله زمانی بین آنها وجود نداشته باشد مانند قرائت سوره در نماز و عنوان ازدواج و صلح و بیع هنگامی تحقق پیدا می کند که بعد از ایجاب موجب بلافاصله طرف دیگر قبول نماید اگر فروشنده کالائی گفت فروختم بعد از يك هفته خریدار بگوید خریدم معامله ای تحقق پیدا نخواهد کرد در معقول گفته شده است اتصال مساوق با وحدت وجود است و انفصال موجب تعدد اگر يك خطی از بالای يك قطعه کاغذ به پائین بدون وقفه و انقطاع رسم شود عرف و عقلاء آن را يك خط می گویند ولی اگر با فواصل و قطعات متعدد رسم شود آن را خطوط متعدد می گویند .

چگونه می گوئیم و کالت عقد است در صورتیکه ممکن است بین توکیل موکل

و قبول و کیل مدت‌ها فاصله زمانی بوده باشد همانطوریکه در جواهرالکلام بدان اشاره فرموده‌اند دلیل بر لزوم موالات بین ایجاب و قبول عقلی و احکام عقلی تخصیص بردار نیستند .

### وکالت چیست :

وکالت عبارت است از تفویض اختیار و سلطنت قانونی از طرف موکل بوکیل که موکل بوکیل اجازه می‌دهد که درحوزه حقوقی او وارد بشود چون یکی از قواعد مسلمة بین تمام مسلمین قاعده تسلیط است که مستند بر روایت مرسله مشهورة الناس مسلوطان علی اموالهم و انفسهم می‌باشد روایت شریفه دلالت دارد که هر فردی از افراد بشر سلطنت بر اموال خود دارد و می‌تواند هر نوع تصرفات حقوقی در اموال خودش بکند که از جمله آن تصرفات جلوگیری از تصرف و دخالت دیگران در اموال او می‌باشد و اگر مالک نتواند از دخالت دیگران در اموالش جلوگیری کند تسلطی بر اموال خودش نخواهد داشت قاعده مزبور مانند دیواری فاصل بین مالک و غیر مالک بوده که راه ورود غیر مالک را بمنطقه و حوزه حقوقی مالک مسدود می‌کند در باب وکالت بوکیل اجازه ورود بهحوزه و منطقه حقوقی مالک داده میشود و موکل سلطنت قانونی خود را بوکیل تفویض می‌نماید و کلمه وکیل و سایر مشتقات کلمه وکالت درقرآن مجیدکه مرجع زبان عرب و قانون اساسی زبان او است بمعنی سلطنت زیاد استعمال شده است و کلنا بها قوماً لیسوا بها بکافرین ای سلطنا و هو علی کل شیء وکیل دراین آیه بمعنی سلطان است زیرا ذات اقدس الهی مالک سموات و ارضین است و سلطنت عامه بر تمام موجودات عالم تکوین دارد خلاصه وکالت و امثال از زمره عقود خارج بوده و خروج آنها از عموم و جوب و فاء بعقود خروج موضوعی و خروج تخصصی بوده که قبلاً به فرق بین تخصیص و تخصص اشاره کردیم در موقعیکه تصدی دفتر ۵۶ تهران با من بود اکثر اسناد را شخصاً تنظیم می‌کردم و

در مورد وکالت نامه برای اینکه وکیل در آینده با اشکال دیگران مواجه نشود می‌نوشتیم موکل کلیه اختیارات و سلطنت قانونی و شرعی خود را نسبت بمورد وکالت تفویض بوکیل مزبور نموده و یکی از این نوع وکالتنامه‌ها که برای به ثبت دادن ملک در یکی از شهرهای آذربایجان بود نوشته بودم که موکل سلطنت خود را در مورد وکالت بوکیل تفویض نموده وکیل مربوطه آنرا بمقام مربوط برای ثبت ملک نشان داده رئیس ثبت گفته بود این سلطنت در این جا چه معنی دارد چرا این کلمات را می‌نویسند لذا خیلی متأسف شدم.

کتابخانه مدرسه لیپه لار

هست گیتی چو جسم و ایران دل  
 نیست گوینده زین قیاس خجل  
 چونکه ایران دل زمین باشد  
 دل ز آن به بود یقین باشد  
 نظامی گنجوی